

لندن اول عدد سایر ۲۰۰۱

دوست دارنده بسیار عزیزم خانم پروین گلیا

سال ۲۰۰۲ میلادی در تبریز و یک هفته تبریز سال یاد
 با درود گرم و سپاس از این که بزرگواران ماه قمره را بر منی خواهد در باره کتاب و دووع در دووع
 دیگر بنویسد به حال من انداخته. طلب از این قرار است که اگر چه در آن جای
 نه سال ۱۳۷۹ که به هم نام برای سه روز تا ده با هم و حالا ما خوانند در قمره به عربی ترجمه کنند
 امته این انعام با عفت خود را در من است، اما باید نزار و یک چیز برای سال نفوسم که به نظر من
 تملکش شدن با کفایتی ام برام مقدود است. (تو دیگر که به عربی نخواهد بود)
 امته شاید سال که در گذشته ام را بر این از من است و این بگویم که آیا برای سه روز تا ده نام
 و کتابت در این باره صفتی از خود گفتی که را بخواند
 خانم گلیا عزیزم چه خبر است؟ در این باره با او بیرون بیخیزد در نامه که در
 خود ستایید. ساد و بیرون است.

اگر با نام محمد گورنزی در این باره است که در این باره است

دوستتان
 ر.ا.

سلام به دختر احمدی که با نام صالحی که هستی

دوست بسیار گرامی و ارجمندم رواله عزیز،

بهانه ای یافته ام تا صبح دقیقه از وقت گرانبایه را به خود اختصاص دهم
و یادآور شوم م خاطر دلپذیرت راهی در مکتب نگاه داشته ام و تذکرستی و
مسئله کاتبه را اگر زود میزد.

اما بهانه ام این است: آگاهی مصری منی دانم به چه دلیل و نتایج

علاقه مندان با رواله امپوخته است، چون نام خانوادگی داماد من،

صالحی امپوخته است، به گمان این م نسبت خوبی و نزدیکی بین دو نفر هست،

اگر است را خواهد بود، به این ترتیب من در جریان قرار گرفتم، طبعی است

م به خودم اجازه ندادم اگر است را به بیخوش ناشناسی بدهم، از این رو،

مشیقات او را از دامادم گرفتم م برای به قولم تا اگر خواهی خودت با او

تاس بگیری.

روال جان بیسی از این وقت عزیزت را م باید صرف خرفلاک

شود، یعنی گریم و به خدای بزرگ می سپارم.

به امید دیوار!
کردی